



Tokenization of Tourism Assets and the Transformation of the Concept of Ownership: A Comparative Jurisprudential and Legal Study of Iranian and Swiss Law

Narges Sedighimehr¹, Jalil Maleki^{2*}, Mehdi Montazer³

1. Ph.D. Candidate in Private Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Private Law, Faculty of Human Sciences, Islamic Azad University, Damavand Branch, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 129-146

Article history:

Received: 22 Jun 2025

Edition: 17 Jul 2025

Accepted: 19 Aug 2025

Published online: 23 Sep 2025

Keywords:

Tokenization of Assets, Tourism Assets, Digital Ownership, Tokenized Ownership, Blockchain, Imami Jurisprudence, Iranian Law, Swiss Law.

Corresponding Author:

Jalil Maleki

Address:

Iran, Tehran, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Faculty of Law, Department of Private Law.

Orchid Code:

0146-2011-0002-0009

Email:

6509660814@iau.ir

ABSTRACT

Background and Aim: The emergence of blockchain technology and the increasing tokenization of assets have brought about significant transformations in traditional ownership structures and economic transactions. In the tourism industry, the tokenization of assets enables the division, transfer, and exchange of ownership rights through digital tokens, thereby creating new patterns of investment in and utilization of tourism assets. This transformation raises important questions concerning the legal nature of tokenized ownership, the scope of owners' rights, the transferability of such rights, and the manner in which they are recognized within contemporary legal systems.

Materials and Methods: This study employs a descriptive-analytical methodology and draws upon jurisprudential and legal sources and doctrinal materials to examine the impact of the tokenization of tourism assets on the transformation of the concept of ownership.

Ethical Considerations: Throughout the research process, principles of academic integrity, accurate citation of sources, and analytical independence have been observed. In accordance with the explicit declaration of the article, the research has no conflict of interest.

Findings: The findings indicate that tokenization is not merely a technological instrument for registering and transferring assets; rather, it gives rise to a new form of ownership based on economic value and the divisibility of ownership rights.

Conclusion: An examination of the principles of Imami jurisprudence demonstrates that, where the requirements of mal (property), rational benefit, and appropriability are satisfied, the recognition of rights arising from ownership tokens is compatible with the general principles governing property and transactions. However, the absence of explicit provisions in the Iranian legal system concerning tokenized assets, in comparison with the legislative approach adopted in Switzerland, constitutes one of the most significant challenges to the development of this legal institution.

Cite this article as:

Sedighimehr, N; Maleki, J; Montazer, M. "Tokenization of Tourism Assets and the Transformation of the Concept of Ownership: A Comparative Jurisprudential and Legal Study of Iranian and Swiss Law". 2026.

دوره دوم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۴

توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری و تحول مفهوم مالکیت؛ مطالعه‌ای فقهی - حقوقی با رویکرد تطبیقی در حقوق ایران و سوئیس

نرگس صدیقی‌مهر^۱، جلیل مالکی^{۲*}، مهدی منتظر^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: ظهور فناوری زنجیره بلوکی و گسترش توکن‌سازی دارایی‌ها، تحولات قابل‌توجهی در ساختارهای سنتی مالکیت و مبادلات اقتصادی ایجاد کرده است. در صنعت گردشگری، توکن‌سازی دارایی‌ها امکان تقسیم، انتقال و مبادله حقوق مالکانه را در قالب توکن‌های دیجیتال فراهم ساخته و زمینه شکل‌گیری الگوهای نوینی از سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از دارایی‌های گردشگری را به وجود آورده است. این تحول، پرسش‌های مهمی را درباره ماهیت حقوقی مالکیت توکنی، حدود اختیارات مالکان، قابلیت انتقال حقوق و نحوه شناسایی این حقوق در نظام‌های حقوقی معاصر مطرح می‌کند.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر با روش توصیفی — تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع فقهی، حقوقی و اسناد تقنینی، به بررسی تأثیر توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری بر تحول مفهوم مالکیت پرداخته.

ملاحظات اخلاقی: در فرایند پژوهش، اصول امانت علمی، استناد به منابع و استقلال تحلیل رعایت شده و مطابق تصریح مقاله، پژوهش فاقد تعارض منافع است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توکن‌سازی صرفاً یک ابزار فنی برای ثبت و انتقال دارایی‌ها نیست، بلکه موجب ظهور گونه‌ای نوین از مالکیت مبتنی بر داده، ارزش اقتصادی و قابلیت تقسیم‌پذیری حقوق مالکانه می‌شود.

نتیجه: بررسی مبانی فقه امامیه نشان می‌دهد که در صورت احراز مالیت، منفعت عقلایی و قابلیت اختصاص، امکان پذیرش حقوق ناشی از توکن‌های مالکیتی در چارچوب قواعد عمومی مالکیت و معاملات وجود دارد. در عین حال، فقدان مقررات صریح در نظام حقوقی ایران درباره دارایی‌های توکن‌شده، در مقایسه با رویکرد قانون‌گذاری سوئیس، یکی از مهم‌ترین چالش‌های توسعه این نهاد حقوقی محسوب می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۴۶-۱۲۹

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

توکن‌سازی دارایی‌ها، دارایی‌های گردشگری، مالکیت دیجیتال، مالکیت توکنی، بلاک چین، فقه امامیه، حقوق ایران، حقوق سوئیس.

نویسنده مسئول:

جلیل مالکی

آدرس پستی:

ایران، تهران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده حقوق، گروه حقوق خصوصی.

کد ارکید:

۰۱۴۶-۲۰۱۱-۰۰۰۲-۰۰۰۹

پست الکترونیک:

6509660814@iau.ir

۱. مقدمه

می‌کند؛ زیرا مالکیت زمانی خود بر مبنای تقسیم حق بهره‌برداری در دوره‌های زمانی مشخص شکل گرفته و قابلیت بالایی برای ترکیب با فناوری‌های مبتنی بر بلاک‌چین دارد.

با وجود ظرفیت‌های گسترده توکن‌سازی، پذیرش حقوقی و فقهی این پدیده با پرسش‌های متعددی همراه است. از جمله اینکه آیا توکن‌های مالکیتی را می‌توان موضوع حق مالکیت دانست؟ آیا انتقال توکن معادل انتقال حق مالکانه است؟ حدود و آثار مالکیت ناشی از توکن‌ها چیست؟ و نظام‌های حقوقی چگونه می‌توانند میان مفاهیم سنتی مالکیت و اشکال نوظهور دارایی‌های دیجیتال سازگاری ایجاد کنند؟ پاسخ به این پرسش‌ها به ویژه در نظام حقوقی ایران که هنوز مقررات صریحی درباره توکن‌های مالکیتی و دارایی‌های توکن‌شده ندارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در مقابل، کشور سوئیس با تصویب مقررات مرتبط با فناوری دفترکل توزیع‌شده (DLT) و شناسایی برخی اشکال دارایی‌های توکنی، یکی از پیشروترین نظام‌های حقوقی در این حوزه محسوب می‌شود.

بر این اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با رویکردی فقهی - حقوقی، درصدد بررسی تأثیر توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری بر تحول مفهوم مالکیت و تحلیل ظرفیت‌های حقوق ایران در مقایسه با تجربه حقوقی سوئیس است. فرضیه اصلی پژوهش آن است که توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری صرفاً یک ابزار فنی برای انتقال حقوق نیست، بلکه زمینه ظهور گونه‌ای جدید از مالکیت مبتنی بر داده، زمان و ارزش

تحولات ناشی از توسعه فناوری‌های دیجیتال، بسیاری از مفاهیم سنتی حقوق خصوصی را با چالش‌ها و بازتعریف‌های جدید مواجه ساخته است. در این میان، فناوری زنجیره بلوکی و سازوکار توکن‌سازی دارایی‌ها از مهم‌ترین نوآوری‌هایی به‌شمار می‌روند که آثار آن‌ها تنها به حوزه فناوری محدود نشده و ابعاد اقتصادی، حقوقی و حتی فقهی را نیز دربر گرفته است. توکن‌سازی امکان تبدیل حقوق و منافع مرتبط با دارایی‌های مختلف را به واحدهای دیجیتال قابل انتقال فراهم می‌کند و از این طریق الگوهای سنتی مالکیت، سرمایه‌گذاری و مبادله را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در سال‌های اخیر، این فناوری در حوزه گردشگری نیز مورد توجه قرار گرفته و زمینه شکل‌گیری اشکال نوینی از مالکیت و بهره‌برداری از دارایی‌های گردشگری را فراهم ساخته است.

دارایی‌های گردشگری از جمله هتل‌ها، مراکز اقامتی، مجتمع‌های تفریحی و سایر اموال مرتبط با صنعت گردشگری، همواره با چالش‌هایی نظیر نیاز به سرمایه‌گذاری کلان، محدودیت نقدشوندگی و دشواری انتقال حقوق مالکانه مواجه بوده‌اند. توکن‌سازی این دارایی‌ها می‌تواند از طریق تقسیم حقوق مالکیتی به واحدهای کوچک‌تر و قابل مبادله، امکان مشارکت گسترده‌تر سرمایه‌گذاران را فراهم آورد. در نتیجه، مفهوم سنتی مالکیت که مبتنی بر سلطه انحصاری یک یا چند شخص محدود بر مال بود، به سمت الگوهای جدیدی از مالکیت مشارکتی، دیجیتال و داده‌محور حرکت کرده است. این تحول به ویژه در حوزه مالکیت زمانی اهمیت بیشتری پیدا

یا ارزش اقتصادی یک دارایی در قالب واحدهای دیجیتال بر بستر زنجیره بلوکی بازنمایی و قابل انتقال می‌شود. این فناوری امکان تبدیل دارایی‌های فیزیکی و غیرفیزیکی به واحدهای دیجیتال قابل معامله را فراهم کرده و از این طریق، شیوه‌های سنتی مالکیت و مبادله دارایی‌ها را با تحولات اساسی مواجه ساخته است (وانگ، ۱۴۰۱، ۳۱-۲۳).

صنعت گردشگری یکی از حوزه‌هایی است که ظرفیت قابل توجهی برای بهره‌گیری از توکن‌سازی دارایی‌ها دارد. دارایی‌های گردشگری شامل هتل‌ها، اقامتگاه‌ها، مجتمع‌های تفریحی، مراکز گردشگری و سایر اموالی است که در فرآیند ارائه خدمات گردشگری مورد استفاده قرار می‌گیرند. این دارایی‌ها معمولاً نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان بوده و انتقال یا بهره‌برداری از آن‌ها با محدودیت‌های حقوقی و اقتصادی متعددی همراه است. توکن‌سازی با تبدیل حقوق مالکیتی یا منافع اقتصادی این دارایی‌ها به توکن‌های دیجیتال، امکان مشارکت سرمایه‌گذاران متعدد، افزایش نقدشوندگی دارایی‌ها و تسهیل انتقال حقوق را فراهم می‌سازد. در نتیجه، مالکیت دارایی‌های گردشگری از قالب‌های سنتی و متمرکز فاصله گرفته و به سمت الگوهای انعطاف‌پذیرتر و مشارکتی حرکت می‌کند (هزاوه و نیازی ورنامخواستی، ۱۴۰۲، ۵۸-۴۵).

یکی از مهم‌ترین آثار توکن‌سازی در حوزه گردشگری، توسعه الگوهای نوین مالکیت است. در نظام سنتی، مالکیت غالباً بر پایه سلطه مستقیم شخص بر مال استوار است؛ اما در نظام‌های مبتنی بر توکن‌سازی، حقوق مالکانه می‌تواند به واحدهای کوچک‌تر تقسیم شده و میان اشخاص متعدد توزیع شود. این ویژگی به ویژه در دارایی‌های گردشگری که

اقتصادی را فراهم می‌سازد که تحلیل آن مستلزم بازننگری در برخی برداشت‌های سنتی از مفهوم مالکیت در فقه و حقوق است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع فقهی، حقوقی و اسناد تقنینی، به بررسی تأثیر توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری بر تحول مفهوم مالکیت پرداخته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در فرایند پژوهش، اصول امانت علمی، استناد به منابع و استقلال تحلیل رعایت شده و مطابق تصریح مقاله، پژوهش فاقد تعارض منافع است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توکن‌سازی صرفاً یک ابزار فنی برای ثبت و انتقال دارایی‌ها نیست، بلکه موجب ظهور گونه‌ای نوین از مالکیت مبتنی بر داده، ارزش اقتصادی و قابلیت تقسیم‌پذیری حقوق مالکانه می‌شود.

۵. بحث

۵-۱. مبانی مفهومی توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری

تحولات فناوری در دهه‌های اخیر، زمینه بازناندیشی در بسیاری از مفاهیم سنتی اقتصادی و حقوقی را فراهم کرده است. در این میان، فناوری زنجیره بلوکی و سازوکار توکن‌سازی دارایی‌ها از مهم‌ترین نوآوری‌هایی به‌شمار می‌روند که آثار آن‌ها فراتر از حوزه فناوری اطلاعات، به عرصه‌های مالی، تجاری و حقوق مالکیت نیز گسترش یافته است. توکن‌سازی به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن حقوق، منافع

کند؟ همچنین، حدود اختیارات مالک توکن و نحوه شناسایی این حقوق در نظام‌های حقوقی مختلف نیازمند بررسی دقیق است. پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم بازنگری در برخی برداشت‌های سنتی از مفهوم مالکیت و تحلیل آثار حقوقی ناشی از توکن‌سازی دارایی‌ها است؛ موضوعی که در بخش‌های بعدی مقاله از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و تجربه حقوقی سوئیس مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۵-۱-۱. تحول مفهوم مالکیت در پرتو توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری

مالکیت در نظام‌های حقوقی سنتی عمدتاً به عنوان رابطه‌ای حقوقی میان شخص و مال تعریف شده است که به موجب آن، مالک از حق استفاده، انتفاع و انتقال مال برخوردار می‌شود. این برداشت کلاسیک از مالکیت بر وجود یک موضوع معین و قابلیت اعمال سلطه مستقیم بر آن استوار است. با این حال، توسعه فناوری‌های دیجیتال و ظهور دارایی‌های مبتنی بر بلاک‌چین موجب شده است که بسیاری از عناصر سنتی این مفهوم با چالش مواجه شوند. در نظام‌های مبتنی بر توکن‌سازی، آنچه منتقل می‌شود الزاماً خود مال فیزیکی نیست، بلکه نمایه‌ای دیجیتالی از حقوق و منافع اقتصادی مرتبط با آن دارایی است. در نتیجه، مالکیت از یک رابطه صرفاً مبتنی بر تصرف فیزیکی فاصله گرفته و به سمت ساختارهایی مبتنی بر داده، ثبت دیجیتال و قابلیت انتقال الکترونیکی حرکت کرده است (هزاوه و نیازی ورنامخواستی، ۱۴۰۲، ۱۲۸-۱۲۱).

این تحول در صنعت گردشگری نمود آشکارتری دارد. بسیاری از دارایی‌های گردشگری از جمله هتل‌ها،

ارزش اقتصادی بالایی دارند، اهمیت فراوانی پیدا می‌کند. از طریق توکن‌سازی، اشخاص می‌توانند بدون نیاز به تملک کامل یک دارایی، در منافع اقتصادی آن سهیم شوند و حقوق خود را به سهولت انتقال دهند. به همین دلیل، برخی پژوهشگران توکن‌سازی را مرحله‌ای جدید در تحول مفهوم مالکیت و سرمایه‌گذاری دانسته‌اند که مرز میان دارایی‌های فیزیکی و دیجیتالی را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. (لوئیس، ۱۴۰۲، ۵۴-۶۱؛ وانگ، ۱۴۰۱، ۱۱۸-۱۱۲).

پیوند میان توکن‌سازی و مالکیت زمانی نیز از دیگر ابعاد مهم تحول در دارایی‌های گردشگری است. مالکیت زمانی به عنوان یکی از شیوه‌های بهره‌برداری از اموال گردشگری، بر مبنای تقسیم حق استفاده از یک مال در بازه‌های زمانی مشخص شکل گرفته است. با این حال، انتقال حقوق، مدیریت منافع و ثبت مالکیت در این نظام همواره با چالش‌هایی همراه بوده است. فناوری بلاک‌چین و توکن‌سازی می‌تواند بسیاری از این محدودیت‌ها را کاهش دهد و امکان ثبت، انتقال و مدیریت حقوق مالکانه را با شفافیت و امنیت بیشتری فراهم سازد. از این‌رو، توکن‌سازی را نمی‌توان صرفاً ابزاری برای دیجیتالی‌سازی دارایی‌ها دانست، بلکه باید آن را عاملی مؤثر در تحول ساختارهای سنتی مالکیت و ظهور اشکال جدیدی از حقوق مالکانه تلقی کرد (اشرفی، ۱۳۹۲، ۸۵-۷۸؛ هزاوه و نیازی ورنامخواستی، ۱۴۰۲، ۱۱۰-۱۰۲).

با وجود ظرفیت‌های گسترده توکن‌سازی، همچنان پرسش‌های بنیادینی درباره ماهیت حقوقی این پدیده مطرح است. مهم‌ترین مسئله آن است که آیا انتقال توکن معادل انتقال حق مالکیت بر دارایی پایه است یا صرفاً نوعی حق مالی و قراردادی ایجاد می‌کند؟

نظام توکن‌سازی، دفترکل توزیع‌شده نقش اصلی را در ثبت و انتقال حقوق ایفا می‌کند. این ویژگی سبب شده است که برخی پژوهشگران از ظهور «مالکیت مبتنی بر کد» سخن بگویند؛ وضعیتی که در آن، بخشی از کارکردهای نهادهای سنتی حقوق مالکیت به سازوکارهای فناورانه منتقل می‌شود (لوئیس، ۱۴۰۲، ۸۴-۷۷).

از منظر اقتصادی نیز توکن‌سازی موجب دگرگونی در کارکردهای مالکیت شده است. در الگوی سنتی، مالکیت غالباً با کنترل مستقیم بر دارایی همراه بود، اما در نظام توکن‌محور، ارزش اقتصادی دارایی و قابلیت مبادله حقوق ناشی از آن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به بیان دیگر، آنچه موضوع معامله قرار می‌گیرد بیش از آنکه خود شیء مادی باشد، ارزش اقتصادی و منافع منتسب به آن است. این تحول نشان می‌دهد که مفهوم مالکیت در اقتصاد دیجیتال به تدریج از محور «عین» به سمت محور «ارزش» در حال حرکت است؛ موضوعی که در بسیاری از دارایی‌های گردشگری توکن‌شده به وضوح قابل مشاهده است (وانگ، ۱۴۰۱، ۹۶-۸۸).

بر این اساس، توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری را نمی‌توان صرفاً ابزاری برای تسهیل معاملات دانست. این فناوری در عمل موجب بازتعریف برخی از عناصر بنیادین مالکیت از جمله انحصار، تمرکز، قابلیت انتقال و شیوه اثبات حقوق می‌شود. در نتیجه، بررسی ماهیت حقوقی و فقهی این تحول اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ زیرا پذیرش یا عدم پذیرش مالکیت توکنی در نهایت به پاسخ این پرسش بستگی دارد که آیا حقوق ناشی از توکن‌ها می‌توانند در چارچوب مفاهیم شناخته‌شده مالکیت و حق مالی قرار گیرند یا آنکه

اقامتگاه‌های تفریحی و مجتمع‌های گردشگری دارای ارزش اقتصادی بالا و در عین حال نقدشوندگی محدود هستند. توکن‌سازی این دارایی‌ها امکان تقسیم حقوق مالکانه به واحدهای کوچک‌تر را فراهم می‌سازد و به اشخاص متعدد اجازه می‌دهد بدون تملک کامل دارایی، در منافع اقتصادی آن مشارکت کنند. در چنین الگویی، مالکیت دیگر صرفاً بیانگر سلطه انحصاری بر یک مال نیست، بلکه به مجموعه‌ای از حقوق قابل تفکیک، قابل انتقال و قابل مبادله تبدیل می‌شود که می‌تواند میان اشخاص مختلف توزیع گردد (وانگ، ۱۴۰۱، ۱۴۱-۱۳۴).

یکی از نزدیک‌ترین نهادهای حقوقی سنتی به این ساختار نوین، مالکیت زمانی است. در مالکیت زمانی نیز حق بهره‌برداری از مال به جای تمرکز در دست یک شخص، میان اشخاص مختلف و در بازه‌های زمانی معین توزیع می‌شود. اگرچه مالکیت زمانی در شکل کلاسیک خود بر مبنای قراردادهای و نظام‌های ثبت سنتی اداره می‌شود، اما منطق حاکم بر آن شباهت قابل توجهی با نظام‌های مبتنی بر توکن‌سازی دارد. به همین دلیل، برخی از نویسندگان مالکیت زمانی را یکی از نخستین نمونه‌های گذار از مالکیت مطلق به مالکیت اشتراکی و انعطاف‌پذیر تلقی کرده‌اند؛ گذاری که امروزه در بستر بلاک‌چین ابعاد گسترده‌تری یافته است (اشرفی، ۱۳۹۲، ۱۰۱-۹۴).

با این حال، تفاوت اساسی میان مالکیت زمانی سنتی و مالکیت مبتنی بر توکن در شیوه اثبات و انتقال حقوق نهفته است. در نظام سنتی، اعتبار حقوق مالکانه عمدتاً به ثبت رسمی، قراردادهای مکتوب و مداخله نهادهای واسطه وابسته است؛ در حالی که در

نیازمند بازنگری در برخی مفاهیم سنتی حقوق خصوصی هستند.

۵-۲. تحلیل فقهی ماهیت مالکیت توکنی دارایی‌های گردشگری

یکی از مهم‌ترین ابهاماتی که درباره توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری مطرح می‌شود، به ماهیت فقهی حقوقی توکن‌های مالکیتی بازمی‌گردد. پرسش اصلی آن است که آیا توکن را می‌توان موضوع مالکیت دانست یا آنکه توکن صرفاً ابزاری برای اثبات وجود یک حق مالی است؟ پاسخ به این پرسش در تعیین مشروعیت معاملات مبتنی بر توکن و همچنین شناسایی آثار حقوقی آن نقش اساسی دارد.

در نگاه نخست، ممکن است چنین تصور شود که فقدان وجود مادی توکن، مانع از شناسایی آن به عنوان مال است. این برداشت بر این فرض استوار است که مال باید دارای عین خارجی و قابلیت تصرف مادی باشد. با این حال، بررسی مبانی فقه امامیه نشان می‌دهد که فقها همواره مالیت را به وجود فیزیکی اشیاء محدود نکرده‌اند. آنچه در بسیاری از تعاریف فقهی اهمیت یافته، وجود منفعت عقلایی و رغبت عرفی نسبت به موضوع مال است. به همین دلیل، منافع، حقوق مالی و برخی امتیازات اقتصادی نیز در فقه اسلامی واجد ارزش مالی شناخته شده‌اند (الزحیلی، ۲۰۰۷، ۴/۲۸۶۲-۲۸۵۶).

بر همین مبنا، توکن مالکیتی را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از داده‌های دیجیتال تلقی کرد. ارزش اقتصادی توکن ناشی از ارتباط آن با یک دارایی واقعی یا حقوق مالی مشخص است. هنگامی که یک توکن نماینده بخشی از حقوق مالکانه نسبت به یک

هتل، اقامتگاه یا مجموعه گردشگری باشد، موضوع معامله در حقیقت کد دیجیتال نیست؛ بلکه حقی است که آن کد نمایندگی می‌کند. از این منظر، نقش توکن به سند یا گواهی الکترونیکی شباهت دارد که وجود و انتقال یک حق را بازنمایی می‌کند.

تحلیل فقهی توکن‌های مالکیتی زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که این توکن‌ها در قالب مالکیت‌های اشتراکی یا زمانی عرضه شوند. در چنین وضعیتی، دارنده توکن معمولاً مالک تمام دارایی نیست، بلکه نسبت به بخشی از منافع یا حقوق بهره‌برداری از آن دارایی حق پیدا می‌کند. فقه اسلامی پیش از ظهور فناوری‌های نوین نیز نهادهایی همچون اشاعه، شرکت و مالکیت منافع را به رسمیت شناخته است. بنابراین اصل تقسیم حقوق ناشی از یک مال میان اشخاص متعدد، پدیده‌ای بیگانه با نظام فقهی محسوب نمی‌شود و می‌توان توکن‌سازی را شکلی جدید از سازمان‌دهی همان حقوق دانست (الخفیف، ۲۰۰۳، ۱۲۱-۱۱۴).

از منظر نظریه قراردادهای نیز مانع جدی برای شناسایی توکن‌های مالکیتی مشاهده نمی‌شود. اعتبار انتقال حقوق مالی در فقه بیش از آنکه به شکل ابزار انتقال وابسته باشد، به وجود قصد انشاء، مشروعیت موضوع معامله و رعایت شرایط اساسی عقد بستگی دارد. در نتیجه، استفاده از فناوری بلاک‌چین و ثبت انتقال حقوق در قالب توکن، به خودی خود موجب خروج معامله از قلمرو قواعد عمومی معاملات نخواهد شد؛ مگر آنکه موضوع معامله با موازین شرعی یا قواعد آمره حقوقی تعارض پیدا کند (عمید زنجانی، ۱۳۹۵، ۹۲-۸۵).

نظام‌های حقوقی است که به جای مقابله با فناوری‌های نوظهور، رویکردی مبتنی بر انطباق قواعد حقوقی با تحولات فناورانه را برگزیده است. نتیجه این رویکرد، شکل‌گیری یکی از پیشرفته‌ترین چارچوب‌های قانونی در حوزه دارایی‌های مبتنی بر بلاک‌چین و توکن‌سازی بوده است.

تا پیش از اصلاحات قانونی مرتبط با فناوری دفترکل توزیع‌شده، بسیاری از حقوق مالی در نظام‌های حقوقی جهان به وجود واسطه‌های متمرکز، دفاتر ثبت رسمی و نهادهای واسطه وابسته بودند. با توسعه فناوری بلاک‌چین، این پرسش مطرح شد که آیا ثبت یک حق در بستر شبکه غیرمتمرکز نیز می‌تواند آثار حقوقی مشابه ثبت سنتی را ایجاد کند یا خیر. قانون‌گذار سوئیسی در پاسخ به این نیاز، با تصویب اصلاحات موسوم به قانون DLT تلاش کرد میان نهادهای سنتی حقوق خصوصی و ساختارهای نوین دیجیتال پیوند برقرار کند (شورای فدرال سوئیس، ۲۰۲۰).

اهمیت این اصلاحات در آن است که برای نخستین بار برخی حقوق مالی ثبت‌شده بر بستر بلاک‌چین، به عنوان حقوق قابل انتقال و قابل استناد مورد شناسایی قرار گرفتند. در نتیجه، دارایی‌های توکنی صرفاً به عنوان ابزارهای فناورانه تلقی نشدند، بلکه در شرایط مشخص می‌توانستند موضوع حقوق مالکانه و معاملات معتبر قرار گیرند. این رویکرد سبب شد توکن‌سازی دارایی‌هایی نظیر سهام شرکت‌ها، اوراق بهادار و حتی برخی دارایی‌های فیزیکی از پشتوانه حقوقی روشن‌تری برخوردار شود (دفیلیپی و رایت، ۲۰۱۸، ۲۰۰۹-۲۰۱۰).

با وجود ظرفیت‌های یادشده، پذیرش فقهی مالکیت توکنی را نباید مطلق و بدون قید دانست. اعتبار این نهاد تا حد زیادی وابسته به شفافیت رابطه میان توکن و دارایی پایه است. هرچه حدود حقوق دارنده توکن، میزان اختیارات وی و نحوه انتساب منافع به دارایی اصلی روشن‌تر باشد، امکان انطباق آن با قواعد فقهی افزایش می‌یابد. در مقابل، هرگاه توکن صرفاً بر مبنای انتظارات نامعین یا حقوق مبهم طراحی شود، احتمال بروز ایراداتی نظیر غرر و ابهام در معامله تقویت خواهد شد.

در مجموع، به نظر می‌رسد چالش اصلی فقه امامیه با توکن‌های مالکیتی، ماهیت دیجیتالی آن‌ها نیست؛ بلکه نحوه تعریف و تنظیم حقوقی روابط ناشی از آن‌ها است. از این‌رو، هرگاه توکن بیانگر حق مالی مشخص، دارای منفعت عقلایی و قابل انتساب به دارایی معین باشد، مبنای فقهی موجود ظرفیت پذیرش آن را خواهند داشت. در چنین شرایطی، توکن را باید نه یک پدیده خارج از نظام حقوق مالی اسلام، بلکه جلوه‌ای نوین از تجلی حقوق مالکانه در بستر فناوری‌های نوظهور دانست.

۵-۳. رویکرد حقوق ایران و سوئیس در شناسایی مالکیت توکنی دارایی‌های گردشگری

۵-۳-۱. جایگاه مالکیت توکنی در نظام حقوقی سوئیس

گسترش فناوری بلاک‌چین و افزایش استفاده از دارایی‌های دیجیتال، بسیاری از نظام‌های حقوقی را با این پرسش مواجه ساخته است که چگونه می‌توان حقوق ناشی از دارایی‌های توکن‌شده را در چارچوب قواعد سنتی مالکیت و معاملات شناسایی کرد. در میان کشورهای مختلف، سوئیس از جمله نخستین

تحولات فناوری برخوردارند و می‌توانند مبنایی برای تفسیر و شناسایی روابط حقوقی ناشی از توکن‌سازی باشند.

نخستین مبنایی که در این زمینه قابل توجه است، مفهوم مال در حقوق ایران است. قانون مدنی تعریف جامعی از مال ارائه نکرده و تشخیص مصادیق آن را تا حد زیادی به عرف واگذار کرده است. همین ویژگی سبب شده است که در طول زمان، مصادیق متعددی از اموال غیرمادی در قلمرو حقوق مالی قرار گیرند. امروزه حقوقی نظیر حق سرقفلی، حق اختراع، حق تألیف و سایر حقوق مالی، علی‌رغم نداشتن ماهیت فیزیکی، از حمایت قانونی برخوردارند. بنابراین صرف دیجیتالی بودن یک دارایی نمی‌تواند به تنهایی مانع شناسایی آن به عنوان مال یا حق مالی شود (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ۱۷۶-۱۸۳).

در کنار مفهوم مال، اصل حاکمیت اراده نیز ظرفیت مهمی برای تحلیل حقوقی مالکیت توکنی ایجاد می‌کند. مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی، قراردادهای خصوصی تا زمانی که مخالف صریح قانون نباشند، میان طرفین نافذ هستند. بر این اساس، توافق اشخاص درباره انتقال یا بهره‌برداری از حقوق مرتبط با یک دارایی گردشگری در قالب توکن، اصولاً می‌تواند مشمول اصل آزادی قراردادهای قرار گیرد. در چنین وضعیتی، اعتبار رابطه حقوقی بیش از آنکه به فناوری مورد استفاده وابسته باشد، به مشروعیت موضوع قرارداد و رعایت شرایط اساسی صحت معاملات بستگی خواهد داشت.

ظرفیت دیگری که کمتر مورد توجه قرار گرفته، قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ است. این قانون اگرچه در دوره‌ای تدوین شده که فناوری

یکی از ویژگی‌های قابل توجه نظام حقوقی سوئیس، پرهیز از ایجاد دسته‌بندی‌های کاملاً جدید و مستقل برای دارایی‌های دیجیتالی است. قانون‌گذار سوئیسی کوشیده است تا حد امکان از ظرفیت نهادهای موجود حقوق خصوصی استفاده کند و از طریق اصلاح تدریجی مقررات، دارایی‌های توکنی را در چارچوب مفاهیم شناخته‌شده حقوقی تحلیل نماید. این رویکرد ضمن حفظ ثبات حقوقی، امکان بهره‌گیری از مزایای فناوری‌های نوین را نیز فراهم کرده است.

در حوزه گردشگری، این بستر حقوقی می‌تواند زمینه توکن‌سازی دارایی‌هایی مانند هتل‌ها، مراکز اقامتی و مجتمع‌های تفریحی را فراهم سازد. در چنین ساختاری، مالکیت یا منافع ناشی از یک دارایی گردشگری به واحدهای دیجیتالی تقسیم می‌شود و سرمایه‌گذاران می‌توانند بدون نیاز به تملک کامل دارایی، در منافع اقتصادی آن مشارکت کنند. بنابراین، تجربه سوئیس نشان می‌دهد که توسعه مالکیت توکنی بیش از آنکه نیازمند دگرگونی کامل مفاهیم حقوقی باشد، مستلزم شناسایی قانونی ابزارهای نوین انتقال و اثبات حقوق است.

۵-۳-۲. ظرفیت‌های حقوق ایران در شناسایی مالکیت توکنی

برخلاف برخی نظام‌های حقوقی که مقررات ویژه‌ای برای دارایی‌های مبتنی بر بلاک‌چین تدوین کرده‌اند، در حقوق ایران هنوز قانون مستقلی درباره توکن‌های مالکیتی و دارایی‌های توکن‌شده به تصویب نرسیده است. با این وجود، فقدان مقررات اختصاصی را نمی‌توان به معنای فقدان ظرفیت حقوقی برای تحلیل این پدیده دانست. بسیاری از نهادهای بنیادین حقوق خصوصی ایران از انعطاف لازم برای مواجهه با

از توکن‌ها، موجب شده است که امنیت حقوقی فعالان این حوزه همچنان با ابهام مواجه باشد. از این‌رو، توسعه مالکیت توکنی در ایران بیش از هر چیز نیازمند روشن شدن جایگاه این حقوق در نظام ثبت و ادله اثبات دعوا است.

۴-۵. تحلیل تطبیقی رویکرد ایران و سوئیس

مقایسه رویکرد حقوقی ایران و سوئیس در قبال توکن‌سازی دارایی‌ها نشان می‌دهد که اختلاف اصلی میان دو نظام، نه در مبانی نظری مالکیت، بلکه در نحوه مواجهه قانون‌گذار با تحولات فناوری است. هر دو نظام حقوقی، مالکیت را به عنوان یک حق مالی قابل انتقال به رسمیت می‌شناسند و هر دو امکان ایجاد حقوق مالی جدید را در چارچوب قواعد عمومی حقوق خصوصی پذیرفته‌اند. با این حال، تفاوت در سرعت و شیوه قانون‌گذاری موجب شده است که نتایج عملی این ظرفیت‌ها در دو کشور یکسان نباشد.

در حقوق سوئیس، قانون‌گذار با این فرض حرکت کرده است که فناوری‌های نوین لزوماً نیازمند کنار گذاشتن نهادهای سنتی حقوق خصوصی نیستند. به همین دلیل، اصلاحات مربوط به فناوری دفترکل توزیع‌شده بیشتر بر انطباق مفاهیم موجود با شرایط جدید متمرکز بوده است. در این رویکرد، توکن به عنوان ابزاری برای بازنمایی و انتقال حقوق مالی مورد شناسایی قرار می‌گیرد و در صورت تحقق شرایط قانونی، آثار حقوقی آن مشابه سایر ابزارهای شناخته‌شده مالی خواهد بود. در نتیجه، فعالان اقتصادی می‌توانند با درجه بالاتری از اطمینان حقوقی نسبت به توکن‌سازی دارایی‌ها اقدام کنند (شورای فدرال سوئیس، ۲۰۲۰).

بلاک‌چین هنوز مطرح نبود، اما اصل اعتبار داده‌پیام‌ها و اسناد الکترونیکی را مورد پذیرش قرار داده است. پذیرش آثار حقوقی اطلاعات ثبت‌شده در محیط الکترونیکی نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران اصل استفاده از ابزارهای دیجیتال در روابط حقوقی را پذیرفته است. از این منظر، ثبت و انتقال برخی حقوق از طریق سامانه‌های مبتنی بر بلاک‌چین را می‌توان در امتداد روندی دانست که پیش‌تر در پذیرش اسناد و معاملات الکترونیکی آغاز شده است (اسکینی، ۱۳۹۸، ۱۵۱-۱۴۳).

با وجود این ظرفیت‌ها، مهم‌ترین چالش حقوق ایران در حوزه توکن‌سازی به مسئله اثبات و قابلیت استناد حقوق بازمی‌گردد. در حال حاضر، بخش مهمی از نظام مالکیت در ایران بر ثبت رسمی و مداخله نهادهای حاکمیتی استوار است. به ویژه در حوزه املاک و دارایی‌های ثبت‌شدنی، انتقال مالکیت بدون رعایت تشریفات قانونی با محدودیت‌های جدی مواجه است. از این‌رو، حتی اگر توکن نماینده بخشی از حقوق مرتبط با یک دارایی گردشگری باشد، همچنان این پرسش مطرح خواهد بود که آیا انتقال توکن به تنهایی برای انتقال مالکیت یا منافع کافی است یا آنکه باید تشریفات سنتی ثبت نیز رعایت شود.

به نظر می‌رسد چالش اصلی حقوق ایران نه در پذیرش اصل مالکیت توکنی، بلکه در تعیین آثار حقوقی آن نهفته است. قواعد عمومی حقوق مدنی، اصول حاکم بر قراردادهای و حتی برخی مقررات تجارت الکترونیکی ظرفیت اولیه لازم برای شناسایی این پدیده را فراهم می‌کنند؛ اما نبود چارچوب قانونی مشخص درباره نحوه ثبت، انتقال و اثبات حقوق ناشی

و اسناد سنتی نقش محوری ایفا می‌کند. این امر باعث می‌شود که حتی در فرض پذیرش اعتبار قراردادهای مبتنی بر بلاک‌چین، همچنان ابهاماتی درباره قابلیت استناد اطلاعات ثبت‌شده در زنجیره بلوکی وجود داشته باشد. چنین ابهاماتی می‌تواند امنیت حقوقی سرمایه‌گذاران و فعالان حوزه گردشگری را تحت تأثیر قرار دهد.

از منظر توسعه صنعت گردشگری نیز تجربه سوئیس نشان می‌دهد که شفافیت مقررات، نقش تعیین‌کننده‌ای در جذب سرمایه و گسترش نوآوری‌های مبتنی بر توکن‌سازی دارد. در مقابل، تداوم ابهام‌های تقنینی در ایران ممکن است موجب محدود شدن ظرفیت‌های اقتصادی این فناوری شود؛ حتی در شرایطی که مبانی فقهی و حقوقی لازم برای پذیرش آن وجود داشته باشد. به همین دلیل، بهره‌گیری از تجربه کشورهای پیشرو نباید به معنای تقلید کامل از الگوهای خارجی تلقی شود، بلکه هدف اصلی باید استفاده از ظرفیت‌های موجود حقوق ایران برای ایجاد چارچوبی متناسب با ویژگی‌های نظام حقوقی داخلی باشد.

برآیند مطالعه تطبیقی حاضر نشان می‌دهد که فاصله میان حقوق ایران و سوئیس بیش از آنکه ناشی از اختلاف در مفهوم مالکیت باشد، نتیجه تفاوت در سطح شفافیت مقررات و میزان انطباق قوانین با تحولات فناوری است. از این‌رو، توسعه مالکیت توکنی دارایی‌های گردشگری در ایران مستلزم بازنگری در برخی سازوکارهای سنتی ثبت و اثبات حقوق و همچنین تدوین مقرراتی است که بتواند میان امنیت حقوقی و نوآوری فناورانه تعادل برقرار کند.

در مقابل، حقوق ایران هنوز در مرحله تفسیر و تطبیق قواعد موجود با پدیده‌های نوظهور قرار دارد. هرچند بسیاری از اصول بنیادین حقوق خصوصی، از جمله اصل حاکمیت اراده، اصل اعتبار قراردادهای شناسایی حقوق مالی غیرمادی، ظرفیت پذیرش مالکیت توکنی را دارند، اما نبود مقررات اختصاصی موجب شده است که حدود و آثار این حقوق به طور دقیق مشخص نباشد. این وضعیت به ویژه در حوزه دارایی‌های گردشگری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا سرمایه‌گذاری در این بخش معمولاً مستلزم اطمینان نسبت به وضعیت حقوقی مالکیت و امکان انتقال آن است.

نکته قابل توجه آن است که حقوق ایران از حیث مبانی نظری الزاماً عقب‌تر از حقوق سوئیس قرار ندارد. بسیاری از نهادهای شناخته‌شده در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران، از جمله مالکیت منافع، اشاعه، شرکت و انتقال حقوق مالی، ظرفیت لازم برای تحلیل بخش قابل توجهی از روابط ناشی از توکن‌سازی را دارند. از این‌رو، چالش اصلی را باید در حوزه تنظیم‌گری و قانون‌گذاری جست‌وجو کرد، نه در فقدان مبانی حقوقی. به بیان دیگر، مسئله اساسی آن نیست که آیا حقوق ایران توانایی شناسایی مالکیت توکنی را دارد یا خیر؛ بلکه مسئله آن است که این شناسایی از چه طریق و با چه آثاری باید صورت گیرد.

تفاوت دیگر میان دو نظام را می‌توان در نحوه مواجهه با ادله اثبات و ثبت حقوق مشاهده کرد. در سوئیس، ثبت اطلاعات در بسترهای مبتنی بر دفترکل توزیع‌شده در شرایط معین دارای آثار قانونی مشخص است؛ اما در حقوق ایران همچنان نظام ثبت رسمی

۵-۵. ارزیابی ظرفیت پذیرش مالکیت توکنی

دارایی‌های گردشگری در حقوق ایران

۵-۵-۱. ظرفیت‌های فقهی و حقوقی پذیرش

مالکیت توکنی

پذیرش هر نهاد حقوقی جدید در نظام حقوقی ایران، پیش از هر چیز نیازمند بررسی سازگاری آن با مبانی فقهی و قواعد بنیادین حقوق خصوصی است. در خصوص توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری، بررسی مبانی فقه امامیه نشان می‌دهد که مانع ذاتی برای شناسایی حقوق ناشی از توکن‌ها وجود ندارد. فقهای اسلامی در تعریف مال، بیش از آنکه بر جنبه مادی اشیاء تأکید کنند، بر وجود منفعت عقلایی و قابلیت انتفاع مشروع توجه داشته‌اند؛ به گونه‌ای که بسیاری از حقوق و منافع فاقد عین خارجی نیز در قلمرو اموال قرار گرفته‌اند (الزحیلی، ۲۰۰۷، ۴ / ۲۸۵۶-۲۸۶۲؛ أبو زهره، ۲۰۰۶، ۶۱-۵۳).

همین رویکرد در تحلیل دارایی‌های دیجیتال نیز قابل اعمال است. هرگاه توکن بیانگر حقی مشخص نسبت به یک دارایی یا منفعت اقتصادی معین باشد، می‌توان آن را از منظر فقهی در زمره حقوق مالی قابل تملک و انتقال قرار داد. در واقع، آنچه موضوع اصلی مالکیت قرار می‌گیرد خود کد دیجیتال نیست، بلکه حقوق و منافع است که توکن نمایندگی آن را بر عهده دارد (الخفیف، ۲۰۰۳، ۱۲۱-۱۱۴).

از منظر حقوق مدنی نیز ظرفیت‌های قابل توجهی برای پذیرش این پدیده وجود دارد. نظام حقوقی ایران پیش‌تر حقوق متعددی را که فاقد نمود فیزیکی مستقل بوده‌اند، به عنوان موضوع مالکیت یا حق مالی شناسایی کرده است. حقوق مالکیت فکری، حق سرقفلی، حق کسب و پیشه و سایر حقوق مالی

نمونه‌هایی از پذیرش اموال غیرمادی در ساختار حقوق خصوصی ایران به شمار می‌روند. از این‌رو، صرف غیرمادی بودن توکن نمی‌تواند مانع شناسایی آثار حقوقی آن باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ۱۸۳-۱۷۶).

علاوه بر این، اصل آزادی قراردادهای و حاکمیت اراده که در ماده ۱۰ قانون مدنی تجلی یافته است، امکان شکل‌گیری روابط حقوقی نوین را فراهم می‌کند. بر اساس این اصل، اشخاص می‌توانند در حدود قانون درباره انتقال، بهره‌برداری یا تقسیم منافع دارایی‌های گردشگری توافق کنند و قالب حقوقی مناسبی برای استفاده از فناوری‌های نوظهور به وجود آورند. به همین دلیل، بخش مهمی از روابط ناشی از توکن‌سازی را می‌توان در قالب قراردادهای معتبر حقوقی تحلیل کرد (عمید زنجانی، ۱۳۹۵، ۹۲-۸۵).

در حوزه گردشگری نیز ماهیت توکن‌سازی با برخی الگوهای شناخته‌شده بهره‌برداری از اموال، به ویژه مالکیت زمانی، قرابت قابل توجهی دارد. همان‌گونه که در مالکیت زمانی حقوق بهره‌برداری از یک مال میان اشخاص متعدد توزیع می‌شود، در نظام توکن‌سازی نیز امکان تقسیم و انتقال بخشی از منافع یا حقوق اقتصادی دارایی وجود دارد. این شباهت نشان می‌دهد که حقوق ایران پیش از این نیز با اشکالی از توزیع و اشتراک در حقوق مالکانه مواجه بوده و توکن‌سازی را نمی‌توان نهادی کاملاً بیگانه با ساختار حقوقی موجود دانست (اشرفی، ۱۳۹۲، ۱۰۱-۹۴).

مهم‌ترین نتیجه‌ای که از بررسی مبانی فقهی و حقوقی به دست می‌آید آن است که چالش اصلی توکن‌سازی در ایران به اصل مشروعیت یا قابلیت پذیرش آن مربوط نمی‌شود. ظرفیت‌های لازم برای

فناورانه و ساختارهای سنتی ثبت مالکیت شود (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ۳۰۱-۲۹۲).

ابهام در ارزش اثباتی داده‌های ثبت‌شده در بلاک‌چین نیز از دیگر موانع قابل توجه به شمار می‌رود. اگرچه قانون تجارت الکترونیکی اعتبار داده‌پیام‌ها و اسناد الکترونیکی را مورد پذیرش قرار داده است، اما جایگاه اطلاعات ثبت‌شده در زنجیره بلوکی هنوز به طور مشخص در قوانین ایران تعیین نشده است. در نتیجه، در صورت بروز اختلاف، مشخص نیست که مراجع قضایی تا چه اندازه اطلاعات ثبت‌شده در بلاک‌چین را به عنوان دلیل اثبات دعوا خواهند پذیرفت (اسکینی، ۱۳۹۸، ۱۵۱-۱۴۳).

افزون بر چالش‌های حقوقی، موانع اجرایی نیز در مسیر توسعه مالکیت توکنی وجود دارد. بهره‌برداری مؤثر از این فناوری مستلزم ایجاد زیرساخت‌های فنی، نظارتی و اجرایی مناسب است. در حال حاضر، بخش قابل توجهی از نهادهای اجرایی و حتی فعالان بازار با ماهیت حقوقی و اقتصادی توکن‌سازی آشنایی کافی ندارند. این مسئله می‌تواند زمینه‌ساز سوءاستفاده، کلاهبرداری یا عرضه توکن‌هایی شود که پشتوانه واقعی و قابل احراز ندارند. تجربه برخی کشورها نشان می‌دهد که توسعه موفق توکن‌سازی بدون نظارت مؤثر و استانداردهای شفاف امکان‌پذیر نخواهد بود (لوئیس، ۱۴۰۲، ۹۴-۸۸).

چالش دیگری که نباید از نظر دور داشت، مسئله تعیین حدود حقوق دارندگان توکن است. در بسیاری از پروژه‌های توکن‌سازی، مشخص نیست که دارنده توکن دقیقاً از چه حقوقی برخوردار است؛ آیا مالک بخشی از دارایی است، در منافع آن سهیم است یا صرفاً دارای یک حق قراردادی است؟ ابهام در پاسخ

شناسایی این نهاد در فقه امامیه، حقوق مدنی و قواعد عمومی قراردادها وجود دارد؛ اما بهره‌برداری عملی از این ظرفیت‌ها مستلزم رفع ابهام‌های تقنینی و تعیین جایگاه دقیق حقوق ناشی از توکن‌ها در نظام حقوقی کشور است.

۵-۵-۲. چالش‌های تقنینی و اجرایی پذیرش مالکیت توکنی در ایران

با وجود ظرفیت‌های فقهی و حقوقی موجود، پذیرش عملی مالکیت توکنی در نظام حقوقی ایران با موانع متعددی مواجه است. مهم‌ترین چالش در این زمینه، فقدان چارچوب قانونی مشخص برای شناسایی، انتقال و حمایت از حقوق ناشی از توکن‌هاست. در شرایط کنونی، قوانین ایران نه تعریفی از توکن‌های مالکیتی ارائه می‌کنند و نه آثار حقوقی مترتب بر آن‌ها را به صراحت مشخص ساخته‌اند. این خلأ تقنینی سبب شده است که وضعیت حقوقی بسیاری از روابط مبتنی بر توکن‌سازی در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد و فعالان اقتصادی از امنیت حقوقی لازم برخوردار نباشند (زینالی و همکاران، ۱۴۰۱، ۳۰-۱۷).

یکی دیگر از چالش‌های مهم، ارتباط میان توکن‌های مالکیتی و نظام ثبت رسمی اموال است. در حقوق ایران، انتقال بسیاری از دارایی‌ها، به ویژه اموال غیرمنقول، تابع تشریفات قانونی خاصی است و بدون ثبت رسمی آثار کامل حقوقی خود را به دست نمی‌آورد. از این‌رو، این پرسش مطرح می‌شود که آیا انتقال یک توکن که نماینده بخشی از حقوق مالکانه نسبت به یک دارایی گردشگری است، می‌تواند جایگزین تشریفات سنتی ثبت شود یا خیر. در نبود مقررات روشن، پاسخ به این پرسش دشوار است و همین مسئله می‌تواند موجب تعارض میان واقعیت

تبیین آثار حقوقی ناشی از آن‌ها است (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ۱۸۳-۱۷۶).

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که نیازمند مداخله قانون‌گذار است، تعیین رابطه میان توکن‌های مالکیتی و نظام ثبت حقوق مالکانه است. در حال حاضر، انتقال بسیاری از حقوق عینی، به ویژه در حوزه اموال غیرمنقول، تابع تشریفات و سازوکارهای خاص ثبت رسمی است. در مقابل، فناوری بلاک‌چین امکان انتقال و ثبت اطلاعات را بدون اتکاء به نهادهای متمرکز فراهم می‌کند. حل این تعارض مستلزم آن است که قانون‌گذار حدود اعتبار داده‌های ثبت‌شده در بستر بلاک‌چین و نحوه ارتباط آن‌ها با نظام ثبت رسمی را مشخص سازد؛ در غیر این صورت، امنیت حقوقی دارندگان توکن با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد (هزاوه و نیازی ورنامخواستی، ۱۴۰۲، ۱۶۳-۱۵۶).

موضوع دیگر، ضرورت توسعه قواعد مرتبط با اسناد و ادله الکترونیکی است. قانون تجارت الکترونیکی گام مهمی در پذیرش داده‌پیام‌ها و اسناد الکترونیکی برداشته است، اما هنگام تصویب این قانون، فناوری زنجیره بلوکی و دارایی‌های توکن‌شده هنوز مطرح نبودند. از این‌رو، بازنگری و تکمیل مقررات موجود می‌تواند به روشن شدن ارزش اثباتی اطلاعات ثبت‌شده در شبکه‌های بلاک‌چینی و نحوه استناد به آن‌ها در مراجع قضایی کمک کند (اسکینی، ۱۳۹۸، ۱۵۱-۱۴۳؛ قانون تجارت الکترونیکی، ۱۳۸۲).

تجربه نظام‌های حقوقی پیشرو نشان می‌دهد که موفقیت در حوزه توکن‌سازی الزاماً به معنای ایجاد نهادهای کاملاً جدید نیست. در بسیاری از موارد، اصلاح تدریجی مقررات موجود و انطباق آن‌ها با

به این پرسش می‌تواند به اختلافات متعدد حقوقی منجر شود و اعتبار این سازوکار را تحت تأثیر قرار دهد. از همین رو، شفافیت در تعریف حقوق و تعهدات ناشی از توکن‌ها باید یکی از اولویت‌های اصلی قانون‌گذار باشد (هزاوه و نیازی ورنامخواستی، ۱۴۰۲، ۱۶۳-۱۵۶).

بررسی مجموع این چالش‌ها نشان می‌دهد که مانع اصلی توسعه مالکیت توکنی در ایران، فقدان مبانی نظری یا مخالفت قواعد سنتی حقوق خصوصی نیست. بخش عمده مشکلات به نبود مقررات روشن، عدم هماهنگی میان فناوری‌های نوین و نظام ثبت موجود، ابهام در ادله اثبات و کمبود زیرساخت‌های اجرایی بازمی‌گردد. در نتیجه، آینده توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری بیش از هر چیز به نحوه مواجهه قانون‌گذار و نهادهای اجرایی با این چالش‌ها وابسته خواهد بود.

۵-۶. الزامات اصلاح مقررات و توسعه چارچوب

حقوقی مالکیت توکنی در ایران

بررسی ظرفیت‌های فقهی و حقوقی مالکیت توکنی و همچنین چالش‌های تقنینی موجود نشان می‌دهد که توسعه این نهاد در ایران بیش از هر چیز نیازمند ایجاد چارچوب حقوقی شفاف و منسجم است. هرچند قواعد عمومی حقوق مدنی و اصول حاکم بر قراردادها امکان تحلیل بخشی از روابط ناشی از توکن‌سازی را فراهم می‌کنند، اما استمرار ابهام‌های قانونی می‌تواند مانع شکل‌گیری اعتماد عمومی و جذب سرمایه در این حوزه شود. به همین دلیل، نخستین گام در مسیر توسعه مالکیت توکنی، تعیین جایگاه حقوقی این دارایی‌ها در نظام حقوقی ایران و

تحولات فناوری نتایج مؤثرتری به همراه داشته است. مطالعه تجربه سوئیس نیز مؤید آن است که شناسایی آثار حقوقی ثبت و انتقال دیجیتال می‌تواند بدون برهم زدن ساختارهای بنیادین حقوق خصوصی صورت گیرد (دفیلیپی و رایت؛ ۲۰۱۸، ۲۰۹-۲۰۱).

در کنار اصلاحات قانونی، توجه به حمایت از سرمایه‌گذاران نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری معمولاً با مشارکت سرمایه‌گذاران متعدد و بعضاً خرد همراه است. در چنین شرایطی، شفافیت در بیان حقوق و تعهدات ناشی از توکن‌ها، افشای اطلاعات مربوط به دارایی پایه و تعیین مسئولیت عرضه‌کنندگان توکن، نقش مهمی در جلوگیری از اختلافات و افزایش اعتماد عمومی خواهد داشت. پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه توسعه فناوری بلاک‌چین نیز نشان می‌دهد که موفقیت این فناوری تا حد زیادی به وجود محیط حقوقی شفاف و قابل پیش‌بینی وابسته است (عزیزی و جدیدالاسلامی، ۱۴۰۱، ۱۳۶-۱۰۷؛ زینالی و همکاران، ۱۴۰۱، ۳۰-۱۷).

از منظر فقهی نیز لازم است حدود و ماهیت حقوق ناشی از توکن‌ها به طور دقیق تبیین شود. هر اندازه رابطه میان توکن و دارایی پایه روشن‌تر باشد، امکان انطباق آن با معیارهای فقهی مانند مالیت، منفعت عقلایی و معلوم بودن موضوع معامله افزایش خواهد یافت. در مقابل، ابهام در حدود حقوق و تعهدات می‌تواند زمینه طرح ایرادهایی نظیر غرر یا جهل در معامله را فراهم سازد (الزحیلی، ۲۰۰۷، ۴ / ۲۸۶۲-۲۸۵۶؛ الخفیف، ۲۰۰۳، ۱۲۱-۱۱۴؛ أبو زهره، ۲۰۰۶، ۵۳-۶۱).

بر این اساس، توسعه مالکیت توکنی در ایران مستلزم مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ در حوزه قانون‌گذاری، تنظیم‌گری و تفسیر حقوقی است. تدوین مقررات شفاف درباره دارایی‌های توکن‌شده، تعیین جایگاه حقوقی ثبت‌های مبتنی بر بلاک‌چین، تقویت حمایت از سرمایه‌گذاران و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در فقه و حقوق خصوصی می‌تواند زمینه شکل‌گیری چارچوبی متوازن را فراهم آورد؛ چارچوبی که ضمن حفظ امنیت حقوقی، امکان بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی فناوری‌های نوین را نیز فراهم سازد.

۶. نتیجه‌گیری

تحولات ناشی از توسعه فناوری زنجیره بلوکی و گسترش توکن‌سازی دارایی‌ها، بسیاری از مفاهیم سنتی حقوق خصوصی را با چالش‌های جدیدی مواجه ساخته است. صنعت گردشگری نیز به عنوان یکی از حوزه‌های مهم سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری اقتصادی، از این تحولات تأثیر پذیرفته و زمینه ظهور اشکال نوینی از مالکیت و مشارکت اقتصادی را فراهم کرده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری بر مفهوم مالکیت و تحلیل ظرفیت‌های فقهی و حقوقی پذیرش این پدیده در حقوق ایران با رویکرد تطبیقی نسبت به نظام حقوقی سوئیس انجام شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری صرفاً یک ابزار فناورانه برای انتقال یا ثبت اطلاعات نیست، بلکه موجب تحول در شیوه ادراک و اعمال حقوق مالکانه می‌شود. در الگوی سنتی، مالکیت عمدتاً بر محور سلطه مستقیم و انحصاری بر مال استوار بود؛ در حالی که در نظام‌های

مبتنی بر توکن‌سازی، مالکیت می‌تواند در قالب واحدهای قابل تقسیم، قابل انتقال و قابل مبادله میان اشخاص متعدد توزیع شود. از این منظر، توکن‌سازی را باید فراتر از یک ابزار فنی و به عنوان عاملی مؤثر در تحول ساختارهای حقوقی مالکیت تحلیل کرد.

بررسی مبانی فقهی نیز نشان داد که فقه امامیه ظرفیت قابل توجهی برای پذیرش حقوق ناشی از توکن‌های مالکیتی دارد. معیارهایی همچون مالیت، منفعت عقلایی، قابلیت اختصاص و امکان انتساب حق به اشخاص معین، زمینه شناسایی بسیاری از دارایی‌های دیجیتال را فراهم می‌سازد. بر این اساس، چالش اصلی در پذیرش توکن‌های مالکیتی نه ماهیت دیجیتالی آن‌ها، بلکه نحوه تعریف حقوق و تعهدات ناشی از آن‌ها و میزان شفافیت رابطه میان توکن و دارایی پایه است. هرچه این رابطه روشن‌تر و حقوق دارنده توکن مشخص‌تر باشد، امکان انطباق آن با قواعد فقهی و حقوقی نیز افزایش خواهد یافت.

از منظر حقوقی، نتایج تحقیق حاکی از آن است که حقوق ایران از حیث مبانی نظری و قواعد عمومی حقوق خصوصی با کمبود جدی مواجه نیست. اصولی نظیر حاکمیت اراده، آزادی قراردادها، شناسایی حقوق مالی غیرمادی و اعتبار اسناد و داده‌های الکترونیکی، ظرفیت لازم برای تحلیل بخش مهمی از روابط ناشی از توکن‌سازی را فراهم می‌کنند. با این حال، فقدان مقررات اختصاصی درباره دارایی‌های توکنی، نحوه انتقال آن‌ها، ارزش اثباتی اطلاعات ثبت‌شده در بلاک‌چین و ارتباط این فناوری با نظام ثبت رسمی اموال، مهم‌ترین موانع توسعه این نهاد در حقوق ایران محسوب می‌شوند.

مطالعه تطبیقی نظام حقوقی سوئیس نیز نشان داد که موفقیت این کشور در حوزه دارایی‌های توکن‌شده بیش از آنکه ناشی از تغییر مبانی حقوق مالکیت باشد، نتیجه ایجاد چارچوب قانونی شفاف و انطباق تدریجی مقررات موجود با تحولات فناوری است. تجربه سوئیس بیانگر آن است که توسعه مالکیت توکنی مستلزم حذف نهادهای سنتی حقوق خصوصی نیست؛ بلکه می‌توان از طریق اصلاح مقررات و شناسایی آثار حقوقی ثبت و انتقال دیجیتال، میان امنیت حقوقی و نوآوری فناورانه تعادل برقرار کرد.

مهم‌ترین دستاورد این پژوهش آن است که توکن‌سازی دارایی‌های گردشگری را نه صرفاً به عنوان روشی برای تسهیل مبادلات، بلکه به عنوان زمینه‌ساز ظهور شکل جدیدی از مالکیت تحلیل می‌کند؛ شکلی از مالکیت که در آن ارزش اقتصادی، قابلیت تقسیم‌پذیری حقوق و سازوکارهای دیجیتال نقش پررنگ‌تری نسبت به الگوهای سنتی ایفا می‌کنند. بر همین اساس، پذیرش و توسعه این نهاد در ایران مستلزم بازنگری در برخی سازوکارهای سنتی ثبت و انتقال حقوق، تدوین مقررات اختصاصی درباره دارایی‌های توکن‌شده و ایجاد بسترهای نظارتی متناسب با ویژگی‌های اقتصاد دیجیتال است.

در نهایت، به نظر می‌رسد آینده صنعت گردشگری در اقتصاد دیجیتال با گسترش الگوهای نوین سرمایه‌گذاری و مالکیت گره خورده است. توکن‌سازی می‌تواند امکان مشارکت گسترده‌تر سرمایه‌گذاران، افزایش نقدشوندگی دارایی‌های گردشگری و توسعه روش‌های جدید بهره‌برداری از اموال را فراهم سازد. تحقق این ظرفیت‌ها در گرو آن

است که نظام حقوقی ایران با نگاهی آینده‌نگر، از فرصت‌های فناوری‌های نوین بهره گرفته و چارچوبی شفاف، کارآمد و منطبق با مبانی فقهی و حقوقی کشور برای تنظیم روابط ناشی از مالکیت توکنی ایجاد کند.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منفعی وجود ندارد.

منابع

الف. منابع فارسی

- اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت الکترونیکی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۸.

- اشرفی، احمد، *مالکیت زمانی*، چاپ دوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۲.

- زینالی، محمدمهدی؛ چیت‌ساز، احسان و محمدی، الیاس، «ارائه چارچوبی برای توسعه یادگیری کارآفرینانه؛ مطالعه‌ای در کسب‌وکارهای صنعت فناوری بلاک‌چین»، *پژوهش‌های کارآفرینی*، دوره اول، شماره اول، ۱۴۰۱.

- شورای فدرال سوئیس (۲۰۲۰). *قانون فدرال اصلاح حقوق فدرال در پرتو تحولات فناوری دفترکل توزیع‌شده (DLT Act)* برن: دولت فدرال سوئیس.

- عزیزی، مجتبی و جدیداالاسلامی، سامره. «شناسایی ظرفیت و بسترهای توسعه فناوری بلاک‌چین در مدیریت پروژه»، *سیاست‌نامه علم و فناوری*، دوره دوازدهم، شماره دوم، ۱۴۰۱.

- عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه و حقوق قراردادها*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۵.

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران. مصوب ۱۳۰۷، با اصلاحات و الحاقات بعدی

قانون تجارت الکترونیکی جمهوری اسلامی ایران. مصوب ۱۳۸۲.

- کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی: اموال و مالکیت*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳.

- لوئیس، دانیل، *سرما یه گذاری در توکن‌های غیرقابل معاوضه و متاورس*، ترجمه کشاورزی، محمدهادی و صالحی، یاسر، تهران، دیده‌بان قلم فرتاک، ۱۴۰۲.

- وانگ، آریس وان لینگ، *اقتصاد کریپتو*، ترجمه نواب‌پور، علیرضا و قدوسی محمدرضا، تهران، راه پرداخت، ۱۴۰۱.

- هزاوه، علی و نیازی ورنامخواستی، مهدی، *توکن‌سازی/ملاک*، تهران، چالش، ۱۴۰۲.

ب. منابع عربی

- أبو زهره، محمد، *الملکیه ونظریه العقد فی الفقه الاسلامی*، القاهرة، دارالفکر العربی، ۲۰۰۶.

- الخفیف، علی، *أحكام المعاملات الشرعية*، القاهرة، دارالفکر العربی، ۲۰۰۳.

- الزحیلی، وهبة، *الفقه الإسلامي وأدلته*، جلد چهارم، دمشق، دارالفکر، ۲۰۰۷.

ج. منابع لاتین

- De Filippi, P & Wright, A, *Blockchain and the Law: The Rule of Code*, Cambridge, MA: Harvard University Press, 2018.